

نوشته : دکتر ضیاءالله پیمانی

تحولات دلایل قضائی در دوران انقلاب فرانسه

مقدمه

دلیل عبارت از نوری است که قاضی را برای کشف حقیقت راهنمایی و هدایت مینماید. قبل از آنکه قاضی مبادرت بصدور رأی بنماید بایستی بحقیقت مسلم امری که بآن رسیدگی مینماید دست یابد چه اساس و پایه قضاوت انسانی بر ایمان و اعتقاد قاضی استوار است.

انسان فقط قادر است که بحقیقت آنچه که بر خود او میگذرد وقوف کامل حاصل نماید و حال آنکه وقایع همیشه در محیط خارج وقوع می‌پیوندند. بایستی افراد ناشناخته که خارج از محیط زندگی قاضی زندگی میکنند شناخته شوند و تازه این شناسائی بایستی با وسایلی که نمیتواند آنها را لمس کنند بعمل آید. از اینجا اهمیت نقشی که قاضی در اجرای عدالت بعهدہ دارد به خوبی درک میشود.

در ابتدائی و معمولی ترین شرایط و احوال زندگی موقعیتهائی پیش میاید که ما بکرات به اشتباهات خود پی می‌بریم و این خود ثابت مینماید که انسان تا چه حد ممکن است در قضاوتها و نظریات خود مرتکب اشتباه گردیده و تصمیمات نادرستی اتخاذ نماید.

برای احتراز از همین اشتباهات که مآلاً جان و مال و شرف اشخاص را بازیچه خود قرار داده و برای آزادی انسانها خطری مهلک محسوب میگردد از قدیم الایام سعی شده است طرق و وسایلی پیش بینی گردیده و بکار بسته شوند.

بدیهی است این طرق و وسایل کشف حقیقت یا ابزار درک حقایق اعمال پنهانی و ناشناخته در هر زمان و مکان و از تاریخی که ابتدائی ترین جماعات بشری شکل گرفته و بنیان گذاری شده است وجود پیدا کرده و بموازات تحولات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی پاپیای رشد فکری و معنوی جماعات تغییر شکل داده تا بصورت امروزی رسیده است. یک بنائی که امروز بنظر ما کاملاً ناقص و معیوب جلوه میکند از قرنهای پیش تا زمان انقلاب فرانسه یعنی در دوره رژیم حقوقی قدیم آن کشور وجود داشته است ولی در قرن هیجدهم انتقادات فلاسفه و حقوقدانان در اثر فشار افکار عمومی مردم فرانسه موفق گردید آنرا واژگون کرده و سازمان جدیدی بجای آن بنا نهاد.

برای بررسی و مطالعه دگرگونیهای فکری و فلسفی رژیمهای حقوقی فرانسه و بیان تحولات و تغییرات قانونی سیستم دلایل قضائی آن کشور، ابتداء روش دوره قدیم یعنی دلایل قانونی را که تا وقوع انقلاب در کشور فرانسه اجراء میشده است مورد مطالعه قرار میدهیم و بعداً به بحث درباره سیستم دلایل قضائی که بوسیله انقلاب جانشین سیستم قدیمی گردیده است خواهیم پرداخت. این سیستم اخیر که به سیستم دلایل قضائی دوره بعد از انقلاب معروف است همان چیزی است که در حقوق امروز به سیستم دلایل براساس ایمان قاضی معروف و شناخته شده است.

بنابراین قسمت اول این نگارش اختصاص خواهد یافت به مطالعه دلایل مختلفه قانونی و ارزش حقوقی هر یک از آنها در رژیم حقوقی سابق کشور فرانسه یعنی قبل از انقلاب آن کشور. در قسمت دوم انتقادات حقوقی و فلسفی بر این سیستم دلایل مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و بالاخره قسمت سوم این نگارش به مطالعه اثرات انقلاب بر روی رژیم دلایل قضائی و نتایج آن چه در موضوع جنائی و چه در موضوع مدنی اختصاص داده خواهد شد.

قسمت اول

گلیات و سیستم دلایل رژیم سابق

فصل اول: سیستمهای مختلف دلایل و ارزش نظری هر یک از آنها.

۱- سیستم دلایل اخلاقی

اساس و مبنای سیستم دلایل اخلاقی براین پایه استوار است که اطمینان و اعتقاد نسبت به صحت و سقم اعمال متناسبه یعنی تنها منبع الهام و تشخیص قاضی در اتخاذ تصمیم و اعلام رأی، بیشتر نتیجه کار وجدان و احساس قاضی است تا تصمیم و عمل قانونگذار. به عبارت دیگر میتوان گفت که در سیستم دلایل اخلاقی برای تشخیص وجود یا عدم اطمینان و اعتقاد نسبت به حقیقت اعمال و موضوعات مورد رسیدگی و عنوان شده در دعوا، قاضی با وجدان پاک خود مشورت نموده و تأثیرات کیفیات و شرایط موضوع را در وجدان خود مورد رسیدگی و تجزیه و تحلیل قرار میدهد. خلاصه آنکه براساس این روش در تحت تأثیرات شرایط و کیفیات خاص هر مورد یک احساس اعتقاد و اطمینان بدون وابستگی بضوابط مشخص قبلی بخودی خود در وجدان قاضی ایجاد و پدیدار میگردد و همین احساس است که قاضی را در اتخاذ تصمیم راهنمائی و هدایت مینماید تا نظریه خود را نفیاً یا اثباتاً بر پایه همین احساس استوار نماید.

این نظریه هر گونه دخالت قانونگذار در تعیین و تشخیص علل و جهات وجود اطمینان و یقین در نزد قاضی را منتفی دانسته و ازین می برد و در نتیجه بر حدود قدرت و اختیارات قاضی در ارتباط با دلایل اثبات دعوا که وسیله منحصر بفرود برای دست یافتن به حقیقت وقایع مجرمانه میباشد، دو نتیجه سترتب میگردد.

از یکطرف قاضی آزاد و مختار خواهد بود که برای رسیدن به اطمینان و یقین خود بهر نوع دلیلی متوسل گردد و از طرف دیگر او از آزادی مشابه دیگری نیز برای ارزیابی و سنجش دلایل بدست آمده از دعوا برخوردار خواهد بود. در اینصورت هیچ دلیلی بخودی خود و به تنهایی دارای یک قدرت اثباتی قانونی که قاضی ملزم به رعایت و تبعیت از آن باشد نیست. این همان چیزی است که اغلب اینطور عنوان و تفسیر میشود که در سیستم ایمان قاضی دلایل اخلاقی هستند نه قانونی.

۲ - سیستم دلایل قانونی

سیستم دلایل قانونی بعکس آنچه که فوقاً تشریح گردید عبارت از این است که قاضی اطمینان و یقین خود را در دادرسی براساس و شرایط و ضوابط قانونی که قبلاً بوسیله قانونگذار تعیین و مشخص شده اند استوار میسازد، بدین معنی که قاضی در صورت فقدان شرایط و ضوابط لازم مذکور در جهتی که بیان شد نمیتواند عملی را مسلم فرض نماید و همینطور بالعکس صرف تحقق واجتماع شرایط و ضوابط پیش بینی شده بوسیله قانونگذار قاضی را بطور غیرقابل مقاومت و تردید وادار خواهد کرد که اطمینان و یقین خود را حاصل شده فرض نموده و رأی خود را صادر نماید و اعتقاد و احساس شخصی او بهیچ وجه مؤثر در مقام نخواهد بود.

در این سیستم دلایل، مسئله اعتقاد و ایمان شخصی و اخلاقی قاضی بهیچوجه مطرح نیست و آنچه که مطرح میباشد همان اعتقاد و ایمان قانونی است که تحقیق و شناختن و بازیافتن آن نتیجه یک فعل و انفعال کاملاً علمی است که پایه ها و ضوابط آن بر روی قواعد ثابت و مسلمی قرار دارند که قانونگذار قبلاً آن ها را تعیین و خطمشی و روش مطالعه و تحصیل آن را ترسیم نموده است.

برای آنکه قانونگذار باین هدف برسد، بوسیله تصمیم قبلی خود و رأساً اقدام به تنظیم تابلوی تعیین ارزش اثباتی هر یک از دلایل مینماید، و بدین جهت است که این دلایل را، در مقابل دلایل اخلاقی، که بطوریکه قبلاً دیده ایم، قاضی در تعیین ارزش اثباتی آنها آزادی و اختیار مطلق داشت، بدلیل قانونی موسوم نموده اند.

براساس این روش مثلاً قانونگذار میتواند از طرفی پاره از دلایل را از قبیل سوگند یا امارات قانونی قطعی و مسلم و غیر قابل انکار و تردید و نقض اعلام نماید. و از طرف دیگر برای پاره دیگر از دلایل، در صورتیکه واجد شرایط مشخص و معین دیگری نباشند، فقط ارزش و قدرت نسبی محدودی قائل گردد.

بدین ترتیب و بخلاف سیستم دلایل اخلاقی قاضی از اختیار و اسکان بررسی و رسیدگی بسایر وسایل اثباتی بمنظور تمیز و تشخیص حقیقت امر و حصول یقین و اطمینان محروم میباشد و فقط قادر خواهد بود که تفحص خود را در محدوده دلایل مشخص و یا خارج از حدود دلایل مشخصی محدود نماید.

در حقیقت این قانونگذار است که با دخالت و اقدام قبلی خود ارزش اثباتی دلایل را تعیین و اعلام نموده و برای آنها خواه در جهت براءت و خواه در جهت محکومیت آثار و نتایجی قائل میشود که قاضی مکلف بر رعایت و ترتیب اثر دادن بآنها است.

از بررسیهای قبلی این نتیجه حاصل میشود که سیستم دلایل قانونی، از نقطه نظر مسئله حصول اعتقاد و اطمینان یک نقش کاملاً درجه دوم برای قاضی قائل میگردد. این سیستم دلایل مقام قاضی را در واقع تا حد یک عامل سبک و سنگین کننده ساده مقررات قانونی تمزّل میدهد. و بدین ترتیب او، همچنانکه در سیستم دلایل اخلاقی یا ایمان قاضی عمل میشود، دیگر قادر و مختار نخواهد بود که برای هر دلیلی ارزش اثبات کننده قائل شود که اعتقاد و ایمان شخصی او حکم میکند. و بطور خلاصه نقش او به نظارت در تهیه دلایل، به بررسی آن دلایل و به کنترل اجتماع شرایط و ضوابطی که قانونگذار قبلاً پیش بینی نموده است، و بالاخره به اظهار نظر در این زمینه که دلایل اقامه شده او را متقاعد نموده است یا خیر محدود میگردد.

سیستم قانونی، به نحویکه ما خطوط اساسی آنرا ترسیم نمودیم، و بشرحیکه در مطالعات بعدی خواهیم دید، در حقوق قدیم فرانسه برای مدت مدیدی معتبر و مجری بوده است.

مقررات موضوعه در دوره حکومت فرمان جنائی مورخ ۱۶۷۰ لوثی چهاردهم تابلوی کاملی از روش این سیستم دلایل و طریقه اجرای آن و بطور خلاصه مکانیسم این طرز تفکر در اسور جنائی خواه از نظر حقوق موضوعه و خواه از نظر روش اجرائی بما نشان میدهد.

بنا بر آنچه که گذشت، در سیستم دلایل قانونی، در موقعیکه موضوع مورد رسیدگی یک اتهام مهم بوده نقش قاضی عبارت بوده است از پیدا کردن یک دلیل کامل و کافی و بدین منظور او میبایست شرایطی را که هر دلیلی میبایستی واجد باشد بررسی نموده و بر اساس این بررسی یک دلیل قانع کننده و کامل تشکیل دهد.

۳ - سیستم دلایل مختلط

سیستم دلایل مختلط که از طرف مؤلفین و حقوقدانان و فلاسفه قرن هیجدهم توصیه شده است برای قاعده استوار است که دو مفهوم اطمینان یعنی اطمینان اخلاقی قاضی و اطمینان قانونی قانونگذار هر دو مورد توجه قرار گرفته و باهم تلفیق شوند. عبارت دیگر منظور این است که دو سیستم قبلی توأمأ و یکجا بکار برده شوند. در این سیستم برای آنکه قاضی تصمیم خود را اتخاذ و اعلام رأی نماید بایستی در عین حال هم شخصاً مطمئن و متقاعد گردد و هم بر اساس مقررات قانونی، اطمینان قانونی پیش بینی شده در سیستم دلایل قانونی را احراز نماید. در این طرز تفکر ممکن است معذالک دو نوع تعدد اطمینان و اعتقاد قائل گردید.

در تلفیق نوع اول، تعدد اطمینان و اعتقاد در تمام موارد لازم و ضروری است، یعنی خواه برای محکومیت و خواه برای برائت. در اینصورت بهره دو سیستم بیک چشم نگریسته شده و هر دو مفهوم اعتقاد و اطمینان بیک نحو مورد توجه قرار میگیرند.

در تلفیق نوع دوم که بیش از نوع اول توصیه شده است. وجود و احراز هر دو نوع اطمینان و اعتقاد لازم و ضروری نیست مگر فقط برای محکومیت.

بر اساس این طرز تفکر بوده است که اسکان تلفیق و ترکیب سیستم دلایل قانونی که بر حقوق جزائی قدیم فرانسه تا زمان انقلاب حکومت میکرده است، با سیستم ایمان قاضی که میبایستی بعدها جانشین سیستم قبلی شود، از طرف رویسپیر در مجلس مؤسسان فرانسه عنوان گردیده و از آن پشتیبانی و دفاع شده است. نامبرده طی یک اصلاحیه که بمجلس مؤسسان تقدیم نموده این اصل مضاعف را بدین نحو پیشنهاد نموده است «هیچ اتهامی را نمیتوان ثابت شده فرض نموده مگر آنکه دلایل قانونی پیش بینی شده وجود داشته باشند و هیچ متهمی را نمیتوان باستناد دلایل قانونی محکوم کرد اگر که این دلایل مخالف تشخیص و استنباط و ایمان شخصی قضات باشند»

از تجزیه و تحلیل این پیشنهاد مضاعف انقلابی معروف فرانسه چنین استنباط میشود که نامبرده علیرغم آمادگی اتمسفر موجود و حاکم بر مجلس مؤسسان و پشتیبانی قوی و مؤثری که در نتیجه عکس العمل وضع سابق و حکومت دلایل قانونی وجود داشته است از قبول یکطرفه دلایل اخلاقی و جانشین کردن آن دلایل بجای دلایل قانونی امتناع نموده و در تحت تأثیر عواطف انسان دوستی و اجرای صحیح عدالت و بعثت ترس از خود مختاری قضات و سوء استفاده از آزادی مطلق آنان در قضاوت خود نخواسته است یکباره عنان اختیار جان و مال و شرف و آزادی ملت فرانسه را بدون هیچ قید و شرط و کنترلی بدست آنان داده و از نظارت و حکومت قانونی و ضوابط تعیین شده بوسیله قانونگذار صرف نظر نماید.

از اینرو پیشنهاد نموده است که برای محکوم کردن صرف نظر از ایمان و اعتقاد و تشخیص قاضی وجود و احراز دلایل قانونی نیز لازم باشد و بعلاوه در صورتیکه دلایل قانونی کافی هم علیه متهم وجود داشته باشند چنین متهمی را نمیتوان باستناد آن دلایل محکوم نمود اگر که ایمان و اعتقاد و تشخیص قاضی علیه آن باشد، و

بدین ترتیب حکومت دلایل اخلاقی یعنی ایمان قاضی را با تثبیت کنترل قانونی قانونگذار پذیرفته است.

بنابراین در یک چنین سیستمی قاضی خواهد توانست علیرغم وجود دلایل قانونی چنانچه عقیده بر مقصر بودن متهم نداشته باشد او را تبرئه نماید.

در شماره بعد به مطالعه انواع دلایل قضائی و قدرت اثباتی هر یک از آنها در رژیم حقوقی قبل از انقلاب فرانسه خواهیم پرداخت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی